

«فرهنگین» گزارش می دهد

راویان عاشورا

گنجینه عظیمی در این زمینه را تهیه کرده است. با این حال آنچه داستان های عاشورایی فعلی را از دیگر متونی که در اعصار گذشته نوشته و به نسل مارسیده متمایز می کند، نوع نگاه متفاوت به این واقعه سرنوشت ساز است. برخلاف تصور بسیاری که گمان می کنند متون جذابی با محوریت عاشورا در زمان حال به رشته تحریر نرسیده است، تعداد آثار خوب داستانی در این حوزه کم نیست و اگر با چشم خریدار و خواننده این سبک ادبی را دنبال کنیم، رمان ها و مجموعه داستان های با کیفیتی را در این رابطه پیدا می کنیم که با رعایت تکنیک و فن های داستان نویسی و مطالعه دقیق متون دینی و تاریخی، قدرت نمایی می کنند. روایت داستانی که مخاطب از قبل انتهای آن را می داند، کار ساده ای نیست و نیاز به تبحر ویژه ای دارد. در این نوشتار مروری داریم بر پنج عنوان رمان که با محوریت واقعه عاشورا مکتوب شده و نشر یافته است.

شماس شامی

کتاب «شماس شامی» نوشته مجید قیصری پیرامون نامه نگاری های خدمتکار و محافظ مخصوص «جالوت» نماینده روم به نام شماس است که از روم به شام آمده است. این داستان در ۲۸ فصل نسبتا کوتاه نوشته شده و به واقعه عاشورا می پردازد. یکی از ویژگی های این کتاب، روایت واقعه از زبان دانای کل است. تمامی روایت های فصول این کتاب در قالب نامه نگاری هایی است که شماس به دربار امپراتور روم دارد. راوی سوم شخصی این داستان، هر آنچه را که در دربار شام می بیند و از دهان مردمان آن دیار درخصوص کسانی که علیه خلیفه نایب نایب مسلمانان می شنود، برای پادشاهش بازگو می کند. در پشت جلد این کتاب آمده است: «داستان اگر اجازه ندارد تاریخ را تحریف کند، اما این توان و ظرفیت را داراست که تاریخ را از زاویه نو به روایت بنشیند. گویی که آن را دوباره می آفریند. در شماس شامی برهه ای از تاریخی مکرر باز هم تکرار می شود و هنوز نامکرر است.» طبق این کتاب، شماس بعد از تحقیقات زیاد به دربار یزید می رود و بر او می تازد که چرا پسر پیامبر (ص) را کشته ای؟ آن هم در اوج مظلومیت! او جمله ای تاریخی به یزید می گوید: نسل من با بیست و چند پشت (یا به نقلی هفتاد پشت)، به داوود نبی می رسد و مردم به همین دلیل خاک کشش من را سرمه چشم می کنند و تو مردی را که با یک واسطه به پیامبران می رسی، اینچنین می کنی و زن و فرزندش را اسیر می کنی؟

فردا مسافر؛ عاشقانه ای بعد از واقعه عاشورا

کتاب «فردا مسافر» به قلم مریم راهی، حکایت قصه ای است که در آن دختری عاشق پیشه از اهالی کوفه که پدرش روزگاری سفیر امام علی (ع) بوده، برای جنگ با دشمنان امام حسین (ع) از کوفه خارج شده است و چند روز پس از عاشورا به خانه بازگشته و از شدت و حیرت از آنچه دیده، قادر به صحبت نیست و در همین حین کاروان اسرای اهل بیت نیز به شهر وارد می شود و دختر به دیدار آنان می شتابد. بخش های قابل توجهی از متن داستان روایتی است از زندگی برخی شخصیت های خاندان نبوی. نویسنده در فصولی از رمانش با بازگشت به گذشته و روایت سرگذشت تاریخی برخی از چهره های خاندان نبوی سعی دارد برخی از خصوصیات آنها را که از ازل در درون شان نهفته است را به قلم و کلمه بکشد. در قسمتی از داستان آمده: «سعید قابل بود، و می شد اهل خانه را آسوده خاطر به او سپرد، ولی از روزی که شیعیان کوفه نامشان را نوشته بودند پای رقع، ایام به خوشی سپری نمی کرد. مردم بود و مضطرب. خوف از جانش خارج نمی شد، اما پنهانش می داشت. عزت گزیده بود؛ در خانه خودش، لیل و نهار. هریار دیدمش سخنی نگفت، جز آنکه زیر لب زمزمه کرد: به سوی ما بشتاب، امید است خداوند ما را به واسطه شما بر حق مجتمع گرداند.»

صدای پای آب

محمدرضا حسن بیگی، یکی از نویسندگان داستان های اجتماعی در ادبیات فارسی است. البته برخلاف تصور، بدی هم در ادبیات مذهبی و عاشورایی دارد و رمان صدای پای آب یکی از آثار او در رابطه با حادثه کربلا در سال ۶۱ هجری قمری است. صدای پای آب، داستانی با محوریت واقعه عاشورا است. شخصیت اول داستان برین بر خضیر همدانی، یکی از یاران نزدیک امام حسین (ع) است و در متون متفاوت تاریخی حضور او در کربلا تایید شده است. راوی داستان سوم شخص مفرد است و حال و احوال درونی بریر را در واقعه عاشورا بریرمان تعریف می کند. در بخشی از کتاب آمده است: «چگونه می توانست، چون همیشه در مسجد جامع کوفه دوزانو بنشیند و برای جمع کثیری که به دور او حلقه زده بودند، قرآن بیاورد؟ از حق بگویم و از ناحق؛ از جندالله بگویم و از جندالشیطان، درحالی که خبرهایی که از مدینه می رسید، او را نگران و بی قرارتر می کرد. بریر اگر قاری بزرگ و استاد مسلم قرآن در کوفه نبود و احساس نمی کرد که باید در کوفه بماند، یک لحظه آرام نمی نشست و خود را به مدینه می رساند تا در کنار حسین بن علی بایستد؛ آن گونه که سال های زیادی از یاران و مریدان علی بن ابی طالب بود و حسین را از جوانی می شناخت. دیروز عصر بود که دوستش «عابس بن ابی شیبب شاکری» شتابان بر در خانه اش کوفت. وقتی در را باز کرد، عابس رو در رویش ایستاد. کمی نگران بود و بریر دانست که خبر خوشی ندارد. هرچند این روزها انتظار شنیدن هیچ خبر خوشی را نداشت.»

نامیرا؛ روایت کوفه قبل از توفان

داستان صادقی کریمیار، روایتی شخصیت محور از حال و هوای شهر کوفه قبل از وقوع مصایب کربلا است؛ روایتی تخیلی اما سوار بر بستر تاریخی و شخصیت هایی واقعی. داستان پیرامون دختر و پسری است که بین حمایت از حسین یا پیوستن به لشکر یزید گیر کرده اند. اما در نهایت به حقانیت فرزند پیامبری می برند و کریمیار حین داستان به بیان بررسی روایات تاریخی شیعه به ماجرای عاشورا می پردازد. در بخشی از این کتاب آمده: «مسلم نامه را بست. گریه جماعت اوج گرفت. ربیع با تعجب به آنها نگاه می کرد. مسلم بن عقیل به داخل خانه برگشت. ابن خضرمی از خانه مختار بیرون رفت، ربیع رو به عمرو برگشت. گفت: اینان چرا گریه می کنند؟ مختار سوال او را شنید. دست بر شانه ربیع گذاشت و گفت: اشک آنها از شوق دیدار حسین بن علی، مولی موحدان است.»



تابلوی نقاشی «روز و شب را می شمارم، روز و شب»

از ادبیات سبب شده که حالا ظرفیت بزرگی در این حوزه داشته باشیم. پرداختن به ادبیات عاشورایی در دوران معاصر، شکلی تازه به خود گرفته و شاعران و نویسندگان، به بیان احساسات صرف پیرامون روز عاشورا بسنده نمی کنند و به آن جاشنی مطالعه همه جانبه آثار عاشورایی را اضافه کرده اند؛ اتفاقی که خصوصاً در حوزه داستان و رمان توانسته جلوه قابل قبولی را از خود ارائه دهد. با اینکه به نظر می رسد هنرمندان حوزه شعر در این عرصه موفق تر از فعالان حوزه داستانی بودند، اما از حدود دوه دهه پیش تا کنون حرکت جدی ادبیات داستانی در حوزه عاشورایی آغاز شده و آثار متعدد و با کیفیت بسیاری به چاپ رسیده است.

تحمل ظلمی که در روز عاشورا بر اهل بیت پیامبر رفته برای تمام مسلمانان، خصوصاً شیعیان سخت وطاقت فرسا است. این احساسات به همت ادیبان، شاعران و نویسندگانی بزرگ در دوره های مختلف زمانی نوشته شده و

پدر، عشق و پسر؛ روایتی بی بدیل از علی اکبر حسین (ع)

در این اثر که به قلم رسا و شیوای سید مهدی شجاعی به تحریر درآمده، بخش هایی از زندگی فرزند ارشد امام حسین (ع) مقابل چشمان خواننده تصویرسازی شده است. فصول کتاب با عنوان «مجلس» نام گذاری شده و شامل ۱۰ داستان است. وقایع هر مجلس با لحنی عاطفی از زبان عقاب، اسب ایشان بیان می شود و مخاطب آن مادر حضرت علی اکبر است و مجالس پایانی، به شهادت حضرتش در کربلا اختصاص دارد. هر برش از زندگی حضرت در مجالس ده گانه به گونه ای به واقعه کربلا مربوط می شود و در تمامی فصول کتاب، هویت عاشورایی حکمرانی می کند. در بخشی از کتاب می خوانیم: «یادت هست لیلا! یکی از این شب ها را که گفتیم: به گمانم امام، دل از علی اکبر (ع) نکنده بود. به دیگران می گفت دل بکنید و رهاش کنید، اما هنوز خودش دل نکنده بود! اگر علی اکبر (ع) این همه وقت تا مرز شهادت رفت و بازگشت، اگر از علی اکبر (ع) به قاعده دو انسان خون رفت و همچنان ایستاده ماند، همه از سر همین پیوندی بود که هنوز از دو سمت نگسسته بود. پدر نه، امام زمان دل به کسی بسته باشد و او بتواند از حیطة زمین بگریزد؟ نمی شود. و این بود که نمی شد، و... حالا این دو می خواستند از هم دل بکنند.»

فراموشان؛ داستانی از واقعه کربلا

رمان فراموشان، نوشته داوود غفارزادگان از جمله کتاب هایی است که پیرامون واقعه کربلا نوشته شده است. همان گونه که از اسم اثر برمی آید، نویسنده به سراغ افرادی رفته که حضور و سرنوشتشان در روز عاشورا از دید نویسندگان پوشیده مانده و به نوعی فراموش شده اند. این اثر ۶ روایت گوناگون دارد. روایت قاصد والی مدینه، روایت همسر زهیر بن قین، روایت یکی از سربازان حربن یزید ریاحی، روایت غلام عبیدالله بن زیاد، روایت یک کاتب گمنام و روایت قیس بن اشعث این اثر را تشکیل می دهند. روایت هر کدام از این بخش ها از زبان یکی از کسانی است که در روز عاشورا همراه کاروان امام حسین (ع) بوده و تحت تاثیر وقایع آن روز قرار گرفته اند. در نهایت کل منسجمی خواننده را غافلگیر می کند. تمامی روایت ها به یک حدیث منتهی می شود و روایت کربلا را در ذهن مخاطب ماندگار می کند. در قسمتی از کتاب می خوانیم: «اینک، آنچه در مدت هشت روز بر فرزندان رسول خدا گذشت، دوم محرم بود که حسین بن علی (ع) وارد سرزمین کربلا شد. فرمود: نام این زمین چیست؟ عرضه داشتند که نام این زمین کربلاست. فرمود: خداوند به تو پناه می برم از کرب و بلا. پس از آن گفت: فرود آید و منزل کنید که اینجا، خوابگاه شتران ما، بارانداز ما و خونریزگاه ماست. سپس همه فرزندان و برادران و خاندان خود را گرد آورد. لحظه ای چشم در صورت آنها دوخت و فرمود: مردم بنده دنیا بیند و دین بازیچه ای است بر زبان شان. تا آن هنگام که روزی شان آماده شود با دین سروکار دارند؛ اما چون سختی فرارسد، دینداران بسیار اندک می شوند.»

فتح خون؛ بازتابی فرارمانی از کربلا

این کتاب اثری متفاوت به قلم سید شهیدان اهل قلم، سید مرتضی آوینی است که به روایتی جان دار از محرم می پردازد. آثار مکتوب شهید آوینی انگاسی از تفکرات فلسفی او در خصوص جریانات مختلف است و فتح خون به درستی، آینه تمام نمای جریان ذهنی و فکری او پیرو اتفاقات کربلا است. فتح خون در ۱۰ فصل آغاز هجرت عظیم؛ کوفه؛ مناظره عقل و عشق؛ قافله عشق در سفر تاریخ؛ کربلا؛ ناشئه اللیل؛ فصل تمیز خبیث از طیب (اتمام حجت)؛ غربال دهر؛ سیاره رنج و تماشاگر از روایت می شود. آوینی در بخش نخست کتاب به بیان وقایع، توصیف ماجراها و شرح اتفاقاتی که از رجب سال ۶۰ تا محرم سال ۶۱ هجری اتفاق افتاده، می پردازد. او در این بخش چگونگی آغاز حرکت، قیام و نهضت امام حسین (ع) تا شهادت ایشان را تصویر می کند. بخش دوم اما روایت را از زبان نویسندگی می خوانیم. او در فتح خون به بازگشایی ماجراهایی که از رجب سال ۶۰ تا محرم سال ۶۱ هجری بر امام حسین (ع) و یاران بی نظیرش رفته است، می پردازد. در بخشی از کتاب اینچنین آمده: «حر آن کسی است که حق اذن جان گرفتن را به خود او می سپارد و این اکرم الموت است: قتل در راه خدا. و مگر آزاده کرامت مند را جز این نیز مرگی سزاوار است؟ احراز از مرگ در بستر به خدا پناه می برند. قدم صدق هرگز بر صراط نمی لرزد؛ حر صادق بود و از آغاز نیز جز در طریق صدق نرفته بود. احراز را چه بسا که مکر لیل و نهار به دارالاماره کوفه بکشاند، اما غربال ابلائان هیچ کس را رها نمی کند و اهل صدق را، طوعاً یا کرهاً، از اهل کذب تمیز می دهد. مکاری چون ضحاک بن عبدالله نیز نمی تواند از چشم ابتلائی دهر پنهان شود و فاش باید گفت، این محضر عظیم حق جایی برای پنهان شدن ندارد.»

ماه به روایت آه

ابوالفضل زربویی نصرآباد، نویسنده کتاب ماه به روایت آه، از زبان ۱۲ رازی متفاوت به بیان وقایعی سر به مهر و خواندنی از شخصیت مانی به هاشم قبل و بعد از حادثه کربلا پرداخته است. ویژگی هایی چون اخلاص، امانتداری و حفظ حرمت ولایت و برادری را بدون اغراق مطرح کرده و در شکل و قامت داستان به نگارش درآورده است. نویسنده با تکیه به کتب تاریخی و اجتناب از نگاهی عاطفی به ساخت داستانی دست برده که با متنی خواندنی به اصول و واقعیات وابسته است. به جز یک راوی (یزید بازگان) تمام راویان کتاب (مسلم بن عقیل، فاطمه کلایه، حضرت زینب، امام حسین (ع)، ام کلثوم، لبابه، عبدالله بن ابی محل، کرمان، شیب بن ربیع، سرجون و عبیدالله بن عباس) شخصیت های واقعی ای هستند که از نزدیک به شخصیت حضرت عباس (ع) آشنایی دارند. ذکر تاریخ شمسی رخدادهای واقعه عاشورا در کتاب، از جمله نکاتی است که می تواند برای مخاطبان جالب به نظر برسد و ذهن شان را از الحاح زمانی با داستان همسو کند. در یکی از فصل های کتاب اینچنین آمده: «وقتی سرپرست کاروان پیش آمد و پارچه از صورت برداشت تا با ما سخن بگوید و از پس او، دیگران چهره نشان دادند، شکمان به یقین بدل شده رفتار هم آریز و احترام برانگیزشان با آدمیان نسبت داشت و هیچ یک متوجه کلام او نشدیم. لاجرم با لیخندی به زیبایی بهار، تکرار کرد: ما غلامان فرزند رسول خدا، حسین بن علی هستیم. سرورم بر شما درود می فرستد و از شما دعوت می کند تا در مدینه، شهر پیامبر، میهمان او باشید. غلامان حسین بن علی؟ به این زیبایی و ادب و کمال؟ آن هم در این کور که گویی در به دوزخ دارد؟ حسین بن علی چگونه از گرفتاری مادر در این بیابان سوزان باخبر شده است؟ غلام ماه سیم و فرشته خصال حسین، پیش از آنکه لب به پرسش باز کنیم، پاسخ داد: کوتاه زمانی است که چاه این منزلگاه خشکیده است. در این مدت به فرمان سرورمان حسین، هر روز با مشک هایی پر از آب بدین جامی آیم و به انتظار کاروانیان می مانیم تا به جرعه ای آب، میهمان شان کنیم و از آنان بخواهیم بر ما منت گذارند و در شهر پیامبر، میهمان فرزند او باشند.»

خبر

فروش های میلیاردی حراج نهران چه بودند؟

مجموع فروش چهاردهمین حراج تهران ۲۲ میلیارد و ۷۱۸ میلیون تومان اعلام شد که این رقم در مقایسه با دوره گذشته که در دی ماه ۹۹ برگزار شد، به کمتر از نصف رسیده است. چهاردهمین دوره حراج تهران عصر پنجشنبه ۲۱ مردادماه با اجرای حسین پاکدل برگزار شد و رقم اعلام شده برای فروش آثار در مجموع به ۲۲ میلیارد و ۷۱۸ میلیون تومان رسید. این عدد برای دوره سیزدهم ۸۷ میلیارد و ۹۴۲ میلیون تومان اعلام شده بود. همچنین گران ترین اثر این حراجی به تابلوی نقاشی «روز و شب را می شمارم، روز و شب» اثر رضا درخشانی اختصاص داشت که در این دوره از حراج با دو اثر حضور داشت. تابلوی درخشانی با ۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان در مقابل گران ترین اثر حراجی سیزدهم به قیمت ۱۲ میلیارد تومان قرار می گیرد که متعلق به آیدین آغداشلو بود. آغداشلو در دوره قبل رکورد گرانقیمت ترین اثر به فروش رسیده در حراج را شکسته بود. تابلوهای بزرگ و عظیم رضا درخشانی، صحنه درشت نمایی و وسعت بخشیدن به دستاوردهای کهن نگارانه های شرقی است که در بیانی معاصر بازآفرینی می شوند.

«روز و شب را می شمارم، روز و شب» به مجموعه شب و روز و درختان انجیر تعلق دارد. در این مجموعه، هنرمند از دو وجه مشترک در خلق آثار مجموعه استفاده کرده است؛ نخست آنکه تمامی مجموعه از دو لته تشکیل شده اند که فرم های مختلف گیاهی را مجسم می کنند؛ این دو لته بودن بر نگرش دوگانگی شرق گرایانه شکل گرفته است و دوم